

غزوات ملک مکرّمه

۱

استغفر الله
عن
الشيخ
الشيخ
الشيخ

Adam Huzar

18

908



صفایان مصاف اثر بوسم اوزره ترتیب صفوف خبر
ایم شد که چون عظم فتوحات حضرت سید الوری علیه
افضل التحایا اولان مکرمه شرفنا الله تعالی تک مستزاد
منظومه فتوحات و شایسته قصیده غزوات اولد یعنی
نشاط افزای اصحاب صفا و ناخیزن دل حساد و اعدا
الموین رؤسای هوازن و ثقیف حلقه بند جمعیت و بوجده
سجده کردان مشورت اولدیر که نیروی بازوی محمد باند
بعید و دور ملاحظه اولان ملاحم اموردن اصعب و ابعدی
فتح بیت مکرم ایدی که اندک اداره مقابله تدبیر اید مفتح
مفتاح ضبط و تسخیر ایدیر بعد ازین جسته جسته خمن قبائل
اطرافی سوخته برق شمشیر اید جلای کنای علی علم حنفی
و سید و کلدرع علاج واقعیه پیش از وقوع اید کرد و محو اسلحه
اندون مقدم شمشیر ساق امت مشد نطق غیرت ابلک
لازمه و منت جا بایتد رجمیده وقت معهود و محل موعود و لرزه

ناخن
طریق

نیر و
فوت
وزیر

مجموعه
اولی و ثانی

اجتماع و اختشاده همدست استی و اولوب مالک بن عوف
النضری که اگر چه اقتضای عقول شبانی انساب تجارب کثیره
سبب ایدردی لکن عکس شجاعت و جرات وجودت
رای و سخاوت اید مسلم افزان و میان قبائل عربده مشارالین
ایدی ترتیب عسکر و تجهیز لازم لشکر و سایر تمثیل امور
کارزار و ده زمام اختیار لرین قبضه اقتدار بنه تسلیم و قبائل
سائره دن و حتی غیر از کلاب و کعب قبیله بنی نصر و بنی حشم
و بنی سعد و بنی بکر موافقت لرین تقسیم اید و ب شکوفه زار
روضه الصفا دن نهاده شیشه بیان فغان بفضله و شیشه
روایت اوزره مفیلا زار بیابان اشک کن ریشه بند شورین
اجتماع اولان او نور بیک مقداری خار پای آزار اولوب
لکن بوغرای غزاده پیرایه صحیفه نزول اولان کریمه لفظ نصر کم الله
لا اخره کثرت و قوت جانب اسلامیانده و ضعف و قوت
طرف مشرکین بیدر و سامانده اولد و غنن تأیید و بعضی مفسرین
لشکر اسلام علی روایت الهی بیک و علی قول اون یکی بیک و چند
اعدای نام فقط درت بیک اولق اوزره تحقیق لرین نشینده
علی اختلاف الروایات رؤسای هوازن و ثقیف قبیله بنی
حشمن بیت باناطفه فکر بزم و با سامعه کچین با و ایه با بغ
و با عاقده بیرم مضمونی نگاشته صحیفه استعدای اولان درین

القصة که مرقی عمر سیار دن پناه ده پایه صد و شصت ساله بر پیر
 ابینا نای عاقبت بین و پیشی کار آزمای دوی زای زین اولاد
 سخت چله تدابیر پیرانه سندن پران اولان سهام افکار نیک
 اکثری ترازوی هدف اصابت اولوق مانند کمان ستم قبضه عرفانی
 ایدی لک کرده رشته تدبیر اولد قدری مشکلات اموره سختیک
 ناخن همتدن استعانت ونوک سوزن ذهن وقا دینه
 مراجعت خصوص سندن ماعدانی دغدغه تر و در آینه متابعت
 و عموماً امر و نهی مطاعت شرطید رویف مطیع غنیمت
 ایدوب و بارهوار سندن اولطاس نام وادی به نزد نکرده کریم
 اطفال و آواز و زمان و شمانت اصوات انواع چهار پایان
 رسیده کوش هوش درید او یحیی بو مثلوصدی راحت و نسا
 اردوی لشکر و مجمع عکرا یه بی جنت جامعه و مغفوق حواس
 و مشوش سامعه اولغین منشأ حقیقتندن پرسان اولد
 حالاسر کرده قبایل مالک بن عوف بهمان موافقت اولان
 کرده لشکر یانک دوات و مواسی و اموال و جمله منعه و عیال
 و اطفال بدین علاوه احوال جمال و پیر و قطار دوات و اتفاق
 ایتمکله اندک صداسیدر دیو جواب ویر و کلزده درید بن القصة
 در حال مالکی احضار و بونری سربار لوازم کارزار ایتمک حکمتندن
 استفسار اید یحیک مالک بن عوف بو گونه مطیع ران میدان

جواب اولدی که ای درید محبت عقلای کار آزمودگان و کرار
 و مراراً مشهود با صر و در بیان اولد یعنی اوزره مردان نبرد آزمای
 زمانه مجتهد و تقصیب دین و ملت و پاس آبروی غیرت و حمیت
 ایچون بذل نقدینه حیات و کل بلکه اندک مشاق و متاع به
 تحمله و بر جای مرکز ثبات اولیه جفندی دایره تصور دن
 بیرون اولمغله حفظ ناموس اهل و عیال و محبت حبلیه استیلا
 و اموال کند و لره البصر و ره عنان کیم فرار و زمان و اطفال لک
 حش و اغارای فروزینه نازده کارزار اولوق ملاحظه لری بوج
 احتمال ثقت و باعث ارتکاب کلفت اولشدر و بوب ط
 کلامن پرچیده دست ختم اید کرده درید بن القصة وخی بود چله
 اسب انکیز نطع حقیقت و فرزان و ساخته نصیحت اولدی که
 ای آوارگان بیابان حیرت وای پیادگان وادی خنجران
 و خیل و رای پرده خفا دن نه صورت باز کون خنما اولد
 هنوز بر یکرک معلومی اولمغله قیاس ایدر که اگر بر عکس قضیه متقد
 ایتما که منتهی نتیجه انزام اولوق حلالی بدیدر اولوب مال کارالایه
 یوم بفرلر من اخیه و امه و اییه و صاحبته و بنیه • مصداقنه ماصدق
 اولد یعنی تقدیر چه اول روز ثبات سوزده هر بر یکرک عربی من نجات
 بر آسه فخر برج • مضمونی بدرقه راه نجات ایتمکله بر فردن خار
 تعلقی کند ویه و امنکیر اولوب بلکه زنگزده و سیده ثبات عده

پاس می فطنه
 و حفظ

کینه و پس

اولان عیال و اثاث و سامان و داخل حظیره ملک اسلامیان
اولمغه دامن قبا شدن بود و سخن فصاحت و لک شاعت و ملا
تا بمحشر شسته صابون نداشت و لمغین الی انقراض الایام آماج
سهام تغییر و دشنام اولمغه که هیچ ده خاطر کلمه می و گوشت
کلامنه پیوند زده ختام اولمغین هنوز تخلصی معلومی اولمغ
کعب و کلابک استفهام حضور و غیبت دینه اما له لجم ایلد که قبیلین
مقومین داخل شیرازه جمیعته و کلد ر جوابی پرده سامعه درید
دریده فارغه ناست ایکن سرپوش انداز خم غضب اولوب
لقد غاب عنکم الجده و الجده تنجیه سن ریخته پیاله لصریح ایدوب
کعبین مبادی خالدن بدیدار اولان بویکی نقش پشت
بری کعب و کلابک تخلصی وبری دخی زمان واطفاقی ملک
احتمال تخلصیدر موافق منصوبه مرام اولمغین شسته شدر
یقیندر باری بوالثقال و عیال که سزله عقال پای حرب و قتال
و معتقدی مستلزم محاذیر و ملالدر کرکر که بر مفرق این وید خود
بر حصن حصینده آسوده نشین فراغت ایدوب انجمن هریده سوار
و شمشیر زن و نیزه گذار اید عازم کارزار اولور سکر فائز غلبه و ظفر
اولمغه تغییر و دخی باری اولمغوله انزام فصاحت انجم اید
تمکام اولمغه باریچه روز کار و دی قون و نقش بوقلمون و هر دو بند
یکده مستبعد و کلدرد و پر شسته لولو نظام نصایحه عقده بند ختام

اولوب لکن نظم تقدیر قطع رشته تدبیر میکند • تدبیر ساده لوح
چه تقدیر میکند • فوج سخته سدید تقدیر نیست کند و بان تدبیر اید
ثمه و آرد و رخنه پذیر اولمغین مخالفت حکمت خداوند تقدیر اولمغین
بر فرد و راری نصایح دریدی پیرایه گوش اذعان و زیور و شایع
تصدیق و ایتقان ایتوب پیروی رهبر تدبیر مالک اید طائف
و لکه بینده واقع چنین نام موضعه و صولدری خبری درگاه محلی گاه
نبوت علیه فضل التحیه پیشگاه معروض اولمغه عبد الله بن
ابی جدر اسمی رضی الله عنه تحویل اطلاع کیفیت و کتبت اعدایه
تعیین و عتاب بن اسید حضرتی دخی مسند خلافته تمکین بویک
علی اختلاف الروایین بالابی بیک نفر عتاب صفوه شکار
و با خود اودن ایکی بیک مقدارش این بالا پرواز کارزار اید
جانب حینه بالکشی استعجال اولمغین اثنای راهده عبد الله بن
ابی جدر اسمی رضی الله عنه معکر کفار و نعودت ایدوب
امر حیر نظر الالی کمر اید یکی وجه اوزره عدت عادت و مقدار
اسلحه و ادواتی بکان بکان شمرده بیان ایلد که دایره نشین
برزم ثریا نظام رسالت علیه الصلوٰه و السلام بولان اصحاب
کرآمدن برینک رمیه من غیر رام کمانکرده و مانند سخت مهر
لکن ثقیب الیوم من قله • تعبیری ساقط اولمغه و شکمین بوقلمون
پیش نهادن اولمغین اسرار ملکوت و محرم خفایای در پرده

جبروت صلی الله علیه وسلم حضرت نیک مبارک جبین منیر
 آفتاب نظیر زنده طیران ذرات تغیر و انفعال نمایان المیشدی
 حکمت غامضه صدائی واراده از لایحه سبحانی الی انقضاء الدجور
 بوقش غریب الظهور کسر مشق اعتبار اصحاب عجب و غرور
 اولسن اقتضای تمکین و اهل اولئده رونما اولان صورت بازگوئی
 انهم اگر چه ساده لوحان عا کر اسلام نسبت مبدئی مشکل
 نفقت بر امر مورش الوحش ایدی فاما غایتی بر نعمت جلیله
 پر خیر و برکت اولد یغذون غیری عباد و عجز اعتقادون کثرت
 وفوت و شوکت و جاه و دوله اعتقاد و اعما و لایق حال
 و شانری اولیوب بلکه بر خجای **نظم** غیر از نیاز و عجز که در کشور
 نویست • ابن مشت خاک تیره چه دارد سنای تو • درگاه
 چار بسازه خموده عجز و نیاز و دانا تضرع و ابتهاج اید سوز
 و کدازده اولمق و سیده احراز رتبه سرفرازی اولد یغین اشعار
 و انحق مخصوص ذات بیهای اولان کبریا و غرورون اندازی
 متضمن بلکه کشته کریمه • لفظ نصرکم الله فی موطن کثیره الی آخره
 بوغزای غزاده پیرایه دستار زول اولد یغی سر شیشه شکوفه دان
 مقصد بذر و احمل مالک بن عوف لشکر طغی اعلام اسلام
 مقدم وادی خینه وار و اولوب لکن غلبه رغبت و بهر اسباب
 غزات زلزله انداز اساس ثباتی اولمغین کند و له کوره لایا

5
 اچقدن صف زده تقابل اولمق قابل اولمغده سکت خزیده
 ناکا بکیر کبی غافل هجوم اید هزاران کنم اسلامی بیش زار
 و غادون معدوم اینک زعمیده اول خون طینتان بیابان
 اشرکی جسته جسته پیغوله کیر کینکاه و تنبیه مراعات مراسم انبیا
 ایشیدی حضرت سپهسالار کنبیه انبیا علیه افضل التحایا و حنی
 نامزد مشوبات غزا اولان اجناد و ظفر اعتیاد اید محل معهوده قریب
 و صفوف عا کر نصر تارزه پیرایه بخش رتیب اولوب بر علم
 ظفر توأم اید جناب فاروق اعظم رضی الله عنی مکرم و بر لوی
 نصرت التو اید رتبه علی المرتضی رضی الله عنی اعلا و بر رایت
 ظفر آیت اید و حنی احراز رتبه سعادت سعد بن ابی وقاص
 حضرت قرینه اختصاص یور و لکن دخل وادی حنین مانده
 جدول بر تمرنگ و معبر پر کلخ و سنک اولمغین جیوش
 دریا خروش اسلام تحریب بنیان اعدای لایه صف بسته آتای
 عیادت و عنوان و مثال سیل شتر موج کف افشان جوش و خروش
 اولد قلری حالد و خول اید آت سطوت شوکت بامیه
 و غیره نامول اولمقدن ناشی مانده جویبار هموار آهسته آهسته موج
 موج و کرده کرده و فوج فوج و رودری اثنا سنده اول کرازا
 چنکستان حیدر پیکان خورده خوگان کبی جنبش تند و تیز اید
 کمینکا بدیدن بر کونه عبا رکنیه اولد یکر **نظم** کی تیره کرد از میان

تا بدید • بدانسان که خورشید شد نابدید • نحو آنچه اول کرد
 آشوبخیز که تیره ساز خورشید رسنا خیز ایدی صاف دلان غایت
 اسلامک چشمه سار جرات و جویبار شجاعین بولاند مغله
 رشته گسسته جمعیت اولان اوراق کل صدرک بهم بسته کبی
 هر بری بر جانیه بر آن و پریشان اولمغین اول کلین هزار میل
 مانع بلاغت علیه افضل النجیه حضرت نیک هواداران مجتهدین
 انجمن دوت غنایب خاطر فزید که حضرت علی الله تعالی حضرت
 عباس و ابوسفیان بن الحارث و عبداللہ بن سعد و رضی اللہ
 عنہم دن عبارتند مانند چار عنصر می فطرت و ات مقدس نبوی
 یچون لانه کبر صبر و شکیب اولد قدرینه طوطیان شکرستان
 فصاحتن بعضی و مساز اتفاق روایت فیلسوفان
 آثار دن بعضی و دخی ربیع بن الحارث و عبداللہ بن زبیر
 ابن عبدالمطلب و عنبه و معتب پسران ابی لهب رضی اللہ عنہم
 حضرت نیک اول چار اسطقس ثباته مانند چار کیفیات طایفه
 اثبات اینست در روایت اخراوه اولاد جعفر دن ربیع و ثمم
 و فضل پسران عباس و اسامه بن زید و برادر و زبیری امین بن
 ام امین رضی اللہ عنہمک و دخی حواس خمسہ ظاهره کبی اول
 محله موجود و اثره وجود اولد قدری اشراک کرده بعض
 اصحاب سیر در بو انا و ده سر کرده مشرکین اولان مالک لعین

6
 اول سر آمد نهال حدیقه نبوت علیه افضل النجیه حضرت نیک مانند
 شد با و خزان سوی سعادت و تربیه شتابان اولد قدره علی بعض
 الروایه امین بن ام امین رضی اللہ عنہ سر راهن بند و مدافعه سنه
 اجاله سمند ایدوب پنجه و فایق و سبر و مردانه اراشدن صکره
 آخر قباي کلکون شهادتہ ترین دوش مفاخرت اینکین
 مالک و دخی بد نژاد اما حه سه طریق ایتیم اعتقاد و تکرارا
 جناب فخر الانام علیه افضل السلام طفرینه اما له کجایم اضار و
 هر چند جد و اصرار و تحریک آزارانه جهد و اقتدار ایدیه کوری
 اما عنان مطیبه سن پنجه شکر تقدیر و ن تخلیص ایدیه مکه صلا
 مؤثر و مفید اولیوب زیور مجلس شاهنامه اولان بقا و پیر و
 مثلث بر کوه جنبش و حرکت حالتی مشهودی اولمغله کند و
 دخی مانند صورت پشت بر دیوار حیرت قالد یعنی آثار مویدین خانه
 نقاشان اخبار و نذر بود دخی شکوفا از روضه الصفا و ن
 چیده اما مل اعتبار اولان سبله شته آثار و نذر که انای فتح مکه
 مکره ده طوعا او کره خار سردیوار مقامنده داخل کلزار ایمان
 اولان نفاق طینت مذن بعضی اولاد صورت انزاده جلوه نما
 اولان شیده شایه تقدیرک اینجا مذن خیر اولمغله بود حالند
 میستج و مسرور اولوب و مان زهر چکاندین اساله لعاب
 گستاخی یجوات اینست ایدی حتی ابوسفیان بن حرب شام شاه

تعبیر هزل و استهزاده اصحاب محمد کرداب معرکه دن بر کونه
ساحل کرای قرار اولد بیک لب دریا به دکن بر محله قرار ایمیج کلری
برج و آب موج اضطرار بزدن بیدار در بری دخی صفوان بن
امیه به خطاب ایدوب یا صفوان اصحاب محمد کن ابطال قابل
ایده قطع مقاومت استقامت عتدی اولمغه وادی فراره نه کونه
شتاب ایند کلین کوردکی وینه صفوان بن امیه نک برادر
مادر بسی کله بن جنبل یا صفوان بوکون اول کوندر حاشا
و کلا اثر سحر و فسون محمدی باطل و نیرنج و جادو لغی بالکله زل
و عطل اولمش در صفوان هر برینک سنک کران وزن شکست
فَضْلُ اللَّهِ فَكَ لَأَنْ يُؤْتِيَنِي رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ
يُؤْتِيَنِي رَجُلٌ مِنْ هَوَازِنٍ ایه در پچه دها ندرین سدا بیک زیور جیه
آثار در محمد بن اسحاق شبیه بن عثمان بن ابی طلحه دن تحریک
سلسله روایت ایدر که جناب سرور انبیا علیه من المصلوات
از کما حضرت زری جانب حنیفه تحریک لوی ظفر التوابور و قدر
بن دخی بونیت ایدر برزوه دامن موافقت اولمشیدم که هنگام
اشتغال نامه وفا و روز آشوب افروز هجاده که محل انتها فرست
واخذ انتقام تمام و سید قدر تر غرزه اُحدوه سوخته برق شمشیر
محمد بن اولان پدر و برادر مک انتقام سید اطفال نامه حجت
ایمید و قفا که ملاقی فریقیده جانب اسلامیه نظر قیادن

7
زلزل و پریشانی اتنا سنده حضرت فخر کونین علیه السلام
سوار اولد یعنی استرخوش منظر لیدن نند آیت نور صفی زمینه
نزولدی مشمول محافظت بیتم اولد قد و جانب بین بیمنت
رصد لیدن بر محله ناکهانی اراده سیده طرف سعادتیه رونما
اولد یغده عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنی برزوه سیکون
و بر هیأت مهابت نمون اید شرف خدمت محافظه لرینه
مقرون کوردیکده اول ذات پاکک عم غیر تکشی و بر مویینه
بیک جان و سر قد اسندن بی تاشی اولمغین بوکار با هموار
اول جانیدن متمشی اولمیه جعی مجر و مم اولد یغدن تاشی جانب
بسرندن هجومی اختیار و اول طرفه دخی ابو سفیان بن
حارثک پر ساز و سلاح مشا هده سی سدر راه کفاح اتکلین
بالاخره قفای سعادت افتقار لیدن حواله برق شمشیر مرکز
تیره سحاب ضمیمه اولد قد و ناکه میانه مزده برزبانة اتش لعل
واللهابه بشلیوب آرقالیدی که جسم کشف ناتوانی بالکلیه
سوزان و مغر استخوانی کحل دیده دوزخیان ایمیج بوجات
موشه و بو کیفیت غریبه و مذممشه دن بکار کونه خوف
و خشیت طاری اولمشیدی که حالا تصورندن زهره چاک
و فکر و خیالندن افتاده و رطه هلاک اولمق بعید و کلدر
بو انا ده اول سریره و ان صما بر علم صلی الله علیه وسلم

حضرتی بوجرم روسیاهی بپشتینه اودن منی خطابنه
شایان بیور طریق رو مال پای ملکوت پیارینه افغان و خیران
شایان اولوب حضور مقدس لرینه وار و یغده مبارک
دست معجزه پوستلرین سینیه بی سینه نه وضع بیور و ب
اللهم اذهب عنه الشیطان و مفا بیده کین غلیظ اضطر
بیور و پدر بعد ازین جانب اعدای لئامه سل سبقت انتقام
ایچون خویک کوشه ابروی است ریزی بکابر کونه خمیر مایه
شوق و غرام اولدی که قسم بخانی کونین اگر سوخته داغ خسته
و کباب ناله انتقام غیر تری اولدیغم پدر و برادریم اول وقت
سوار مطیبه حیات اولسه لر ایدی جناب سید عالمیانه بعض
وعد و اندری ایچون دلالت بدرقه شمشیرم ایله ایصال
در که نیز آن ایدروم دیو مشهود با صرة حقیقت بینی اولان
ینچه بوارق خوارقی بیرون نیام وصف و تعبیر ایدی اول
روز عاقبت فیروزده حضرت بکه تاز عرصه اسرار و تنها سوار
مضمار ملکوت اعلا علیه فضل التجا یا بر استر براق پیکره سوار
اولمش ایدی که رشک سرعت سیر و همواری رفقاری
و اغزن شبدیز پرویز و کلکون شیرینه بر تنخ همیشه خورن ایدی
طیبت نبوت تخمیر لنده مرکوز اولان مایه اکسیر شجاعت و جود
دلیری و جراتی مقتضای کلب کوهر نثار معجزه بار لادن انا الشی

لاکذب انا ابن عبد المطلب مقال لال مثالیله حقا که شایان
هزار افتخار و مباحات اولان اظهار نسب ستریف و اعلام حسب
ذات لطیف ایدر کیمک و تنها اول وحشی خزان بیابان
خسروان اوزر لرینه هجوم شیرانه یه تحریک عنان شجاعت بیور و قدر
جناب عباس و ابوسفیان علیهما الرحمة وارضون بحکم اقدارین
گرفته دست ممانعت و رکاب غضب و التها بدین بوسه
اوده لب نیاز و منت بیور طریق یا عباس و ارایدی اول مشو
شدگان بیم و هراسی جمع وارجاع ایله دیو منبع دمان معجزه بایزند
بر آب و تاب ایله اجرای زلال جواب ایدر که کمتر قطره سنگ
شفای صدر علیل و لسنه سوق رفقاری برواضح و لیل ایدی
حضرت عباس بر مرد شدید الصوت و بلند صدا و لمغله
یا عبدا لله هذ رسول الله و یا اصحاب شجرة التمرة و یا اصحاب
سورة البقرة تعبیر منیات تذکیر ایله قهار لادن اطاره حمائم
آواز وحش و اغزای غزاده زیاده سوز و کداز ایتیمکله یا میانه
صد و نود یا خود تخمینا یوز عدد و مقداری اصحاب تاثیر کلام
عباس ایله میدان معرکه یه عنان کردان اولوب نظم زماور
همه مرکز ازاده ایم • همه بنده ایم ارچه ازاده ایم • زفره سبیل
تقبیل رکاب سید المرسلین صلی الله علیه و سلمه بری برین
مسابقه ایله احراز رتبه شرف و مفاخرت ایتد کلزنده درج

دمان مجربیان ندان. الآن حمی الطیس لعلیارسن پیرایه
اکلیل روزگار بیور ویدر و طیس کتب لغته مفردات نور مغاسنه
مذکور و حمی ایدم کتب شدت امر و اشتغال اثره حرب و قتال
کنایه اولمق اوزره مسطور اولوب. و اول من قالها ابنتی علیه السلام
حاین اشته الباس بحین و هی من احسن الاستعارات
تعبیریه بوکوهر کرامتیک ابتدا صدف دمان در افشان نبوت
علیه فضل التحیدن زیور و شاح الصدر ظهور اولد یغنی جواهر
روایات مجمع البحرین نذر بولکلام بدیع النظام متعاقبا حضرت
علیم الله علیه السلام روز فلق بحره استغاثه بیور و قدری
دعای تاثیر در قهای. اللهم تک الحمد والیک المثلکی و انت
المستعان. تلاوتیه اثبات تنجیم و دمان دشمنان ایچون
برشت سنکریزه ریشه طلم اولد یغنی علی اختلاف الروایات
یا حالت سوار یلریده یا صورت نزل ندره کند و مبارک
ید مؤید لریده یا خود و ساطت اصحاب اید برداشته و فلان
شاهت الوجوه انهم موافق ب محمد صلی الله علیه و سلم اید
سوی کفاره انداخته و روزنه دیده و دمان نرین خاک و سنگ
انزله انباشته بیور و قدری حالد. ثم انزل الله سبینه علی
رسوله و علی المؤمنین و انزل جنودهم و انزلهم فی حاکم احتوا
اوزره کرویان انجم شمار ملا اعدا دن ازله ظلام کید اعدا ایچون

۹
اشهر و ایاذه پنج هزار و بعض روایانده سکر نیک قول
و بکرده اون التي بیک مقدار صورت عجوبه مهابت بشریه اید
مشکل و مانده صبح و شفق هر بری جامه سفید و تاج سرخ اید
مزن و مکمل اجنا و جیا و اید ادا و اسعاد اولمق یغنی نسیم فوز
و نصرت جانب اسلامیان دن و دیور نخوت و ادبار طرف
کفارون و زان اولمقین متحیر و سرگردان و متفق مفارقه
خیبت و خسران اولوب بر فرق سی مالک بن عوف اید حسن
طائفه شتابان و بر کروهی بطن نخه یه کر زان و فرق و دیگر
داوی او طاسده و اکذاشته اولان اموال و عیال لری
محا فطنه غنا نکردان اولد یغنی مالک بن عوف دن منقول و الحق
اوزره نکاشته صحیفه روضه الصفا اولان ریچانده سته
روایانده نذر که کند و منسوب بندن چند نفر کسند ر بعد الهزمیه همزبان
حکایت اولد یغنی حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و قاکه اول
حصانی ماضق و ارمیت افرمیت و لکن الله رمی اولان
رمی اید انداخته جانب قایل اید کده برود قالدی که اول
سنکریزه دن دیده ادراکی کور و دائره عقل و شعور دن
صد مرحله دور اولمیه بو کیفیت غریبه مشاهد سندن خور نظم
خود و خواب و آرام نکاشته. تو کفتی که روی زمین سنگ
مصنوعی اوزره درون و بیرون ندره بر در لوی بیچ و تاب و بر کونه

قَلَقَ واضطراب رهبا با اولمشیدی که میان زمین و آسمان
 سفید جامه و سرخ عمامه بر کرده بسیار و بر شکمهاست منظر
 ابلق سوار مشهور و مزاولمشیکن استیلای حیرت و دهشت سده
 در بجه نظر وقت ایلشیدی هر ویدر که ابطال مشرکین
 ابو جزل نام بر شجیع سفاک دیواندام که نبرد آرمایان عزیز
 میدان معرکه سده پناه و جهارت و حمله کوه اندازید سپرداده
 طاقت اولمش کسند یوق ایدی زرقی حال مومنین و تنزل
 واد بار مشرکین مهتج شران شجاعی اولمغین و امن بر زده
 غیرت جاهلیت و اهل من مبارزه مغر سیده میدان معرکه
 دلوله اندازدهشت اولد قده اصحاب نصرت انتا بدن
 مضمار مبارزه به تحریک عنان جرات نمایان اولمغله ننگ
 بحر ایجا ابن عم حبیب خدا یعنی علی المرتضی کرم الله وجهه حضرت
 حسام غیرت و انتقامی گرفته پنجه مرغامی ایدوب نظم
 قضا گفت کبر و قدر گفت ده • ملک گفت حسن فلک
 گفت زه • فخر پنجه بر حمله شیرانه و دستبرد دلیرانه اول
 معزور مقتدر کسر هوا پرستن حباب جویبار و ذوالفقار
 ایتکین بهرام خون آشام فلک جبران و فرشتگان عالم بالا
 قوت بازو سینه شایا شیوان اولوب جمله حضار و نظاره و حتی
 باعث قوت قلب و اطمینان اولمش در بوغرای غراوه

کلکون قباي شاد و نه خرام چپستان جهان اولان درت بفر
 مومن پاکیزه کوهر و سدا و لیل قطران طلای جمیم اید و اصل غذا
 الیم اولان بیتمش نفر مشرک هرزه کرد و اولد یعنی اتفاق کرد
 اکثر اصحاب سیر در ناطق و صامت و داخل زیریه اغنام
 و سنجیده میزان اقسام اولان مقدار اموالده ارباب سیر
 مختلف الاقوال اولوب لکن التی بیک پرده خوش بافت
 و فرق بیک و قیه نفقه صاف اید بکرمی درت بیک مهار
 مشرک و اندام و فرق بیک راسدن متجاوز زره و اغنام
 اولد یعنی رسیده رتبه شریک حضرت اورنگ نشین فیض
 و پادشاه رسالتپناه ملائک سپاه صلی الله علیه و سلم فرق
 مشرکین رو نهاده وادی او طاس اولان رسیدگان عزیز
 و هر اسک تقییب و استیصالدر یحیون قدر الکفا عسکر ظفر نثار
 ترتیب و اوزر لرینه ابوعمر اشعری رضی الله عنہ امیر لشکر
 یقین و عقب مشرکین تسبیح سیر سیر طریقه طی چند مسافه
 بمجمع کفاره رسیده اولد قلنده ابوعامر رضی الله عنه متاع
 کراپهای حیاتی زبور دوش و لال قنایه پنجه و کت هر گونه
 ترویج بازار کاه ایجا و بر وجهه تهیج و او دستد و غایمشیدی
 نظم درخشیدن تیغ الماسکون • سناهای آمار واده بخون
 تو کشتی که پر شد ز کشتی بخار • برافروخته آتش کارزار • مامد فی

ایدی اندن صله برادرزاده سی ابو موسی اشعری وخی مبدل
کارزارده جای عم رزکوارین عالی قومیب اول وخی اشعل
نمزه حرب و قاتل و کرده مکروه کفاری کایبغی قهر و استیصال
ایدوب اول مجملک شیرازه جمعیتی اولان در بدین القمه
وخی علی اختلاف الروایاتین بیتیغ زبهرین العوام وای خود
لسع ثقبان شمشیرین لدغه ایلد سرنگون در که نیران اولشدر
بوفتح عظیم وخی علاوده فتوحات سامره اولمغه سپاه
نصر تقزین با صد زینب و آیین یا بوس جناب سید الاولین
والآخرین ایلد شرفیاب اولد قلنده سابق ولاحق داخل حظیره
اغتنام اولان اموال وامتعه بی وقیده قسمت ایچون طاف
وکه بنیده واقع جعرانه نام موضعده بقیه صندوق حرات
و عبایه بن بشر رضی الله عنی تخصیص خدمت محافظه بیورد
میان سبا یادن شیما بنت حلیمه السعدیه که شرف اخوت
رضاعیه سید البراء علیه فضل النجا یا ایلد تاج ایتهاجی حروف
زهره زهر ایدی بعض اصحابدن صورت خشونت وحقارت
مشاهده سیده نقاب افکن چهره راز اولوب رخوده درگاه
نسادت حسنکامی ایدولمغین رجا و نیاز اینکین اسعاف
مسئولید نظر کیمیا اثر سید البشر صلی الله علیه وسلم رسیده
اولوب یا رسول الله بن اخت رضاعیه کن شیما استدعی

عاطفت ایدکده حضرت بنده نواز علم خاطر ساز بیچارگان
بنی آدم صلی الله علیه وسلم با شیما صندوق متخذه که باید مدقا
حلی علا بدین محک زده امتحان اولد حق حلیه علامت موجود
دیو کوهر بریز استنطاق اولد قلنده بی یا محمد دیوب اسم پدر
و مادر و لقب و کنیه برادر و خواهری ایلد لولو کش رشتن نب
اولمغین حضرت خواجهم هر شناس عرفان تمامی عبارتده غایب
تمغازن تصدیق وادغان اولوب نوازش بسیار واکرام
فرزاندن صله شیما وخی مقتضای یکی جوهر و لازمه قرابت
سید البشر اوزره مشکوه دماندن قیده فروز نوران اولمغه
معززه و مکرمه حمله تربیت نبویه آسوده نشین پسر استراحت
اولسیده جانب دار و دیارینه غریمتی امرنده زمام اختیاری
قبضه خواهرشسته تسلیم اولمغین حب الوطن من الایمان مقتضای
عطایای علم شمول رسولدن اوج کنیزک و بر غلام و چند زن
جمال و اعظام ایلد مقتضی المرام سوی وطنه امانه لجم ایدی
مستخفان قلاع آثار بود جمله تشید بروج اخبار ایشدر که
معز که حنیندن خائب و خائف مالک بن عوف ایلد
رونهاوه حصار طائف اولان هوازن و ثقیف محاربه
حنیندن مقدم لاجل الاحتیاط برج و بار و لرین تحصین احکام
وفوت یکساله لرین آماده و سرانجام ایشدر ایدی درون

طه

قلعه به و خولنده داخل و ابواب بسته و در سر نو خدام آرزو
 قال سلمیه شد آیتد کلری خبری حضرت اورنگ نشین خطه
 لولاک و باعث ابداع بروج هفت توی افلاک صلی الله
 علیه و سلمک عنیه مقوس طاق جوزا نظا قدریه عرض اولنده
 قلعه طائی دخی علاوه لطائف فتوحات و اول حوالی بی
 پامال ستم ستمد غزات ایلک اوزره پیشگاه نیته نصب علم
 عزیمت بیور طریق علی روایت عبیده بن جراح رضی الله عنیه
 و علی قول خالد بن الولید رضی الله عنیه حکم داران اسلام
 بیک نفع کبریت پیکره سرشکر تعیین و مقدمه منظومه
 جیش عنوانید پیش سطر صحیفه صحرا و کند و ر دخی معتزله
 اولان کتیبه خضر ایلد تحریک لوی ظفر التوا بیور و ب میسر
 هابونده واقع مالک بن عوف النضر بیک قصر نخوست اسل
 و طاق در و اق سریع الاندراستی فرمان سلطان الانبیا علیه
 اجل التی یا ایلد سوخته نائرة انتقام و آثار و اطلالین کنده تیشه
 اعدام ایدوب چند روزه طی مسافه دن هله حوالی قلعه و
 بر حمله **نظم** فروشد باهی و بر شد باده • بن نیره و قبه بارگاه
 فخر سخته نصب اعلام اقبال و مد ظناب عز و اجلال بیور لنده
 طر فیند اعمال و دوات حرب و قتال رسیده رتبه کمال اولوب
 لکن مخیم هابون بر جایی مکشوف الارحابه مصادف اولمغین

نظم کران تیر باران کنون آمدی • بجای نم از ابر خون آمدی
 مفهومی اوزره جانب طائیفان دن باران اولان تیر و سهام
 عاکر اسلام دن دافین جرح و ایلام و دیکرانی دخی
 بی راحت و آرام اتمکله بالا فضا اول محکم حرکت و بهرجای
 دل آسایه ضرب خیم اسراحت بیور دیکر **نظم** نه خاکه
 آیتد یاسه ذات پکی وضع قدم • اولور قیامت و ک ز بیور
 جباه ام • مصداقچه حال مسجد طائف اول مقام مبارک
 اولد یغی آرایش محراب روایتد چونکه حصان حصار لری
 باعث امتداد کار زار اولد یغین ناسی طائیفانک خارج
 سورده واقع نخل و کر و مری که مار معاش و ماده ترفه و انتقا
 اولمغله هر بر بیک پنج مجتهدی بر محبوب رشیق القه و دل
 و بر عذاری جمیده حمله پیر قدر ریشیه بند سوره زار خاطر لری
 اولد یغین بادی یقینق معنوی و موجب تکلیف روحانی اولی
 اوزره جمله شک قلع و قطعی بایده فرمان قطعی انجمن نبوی
 صادر اولمغین بوجیه هوش که از آتش افکن خرمن صبر و قرار
 اولوب بورین اوزره نخلستان سوز و کداز و دانه پاش اشک
 نیاز اولد دیکر اوده دن بری آستان مکارم نشان نبوت مبین
 کردند اوده ربه رقیبت اولد خار خار عالم کون و فساد و دن و کل
 سلاسل و اغلال روز میعاد و دن دخی نامون و سر آرد اولمغی

پیرایه ذات نبوت سمانی اولی و اعلیه دعوت عام و موجب
 رغبت جمیع انام اولد بخندن قطع نظر قطعیه اراده علیه نبوی
 تعلق ابدن نخل و کرومک وخی اکثر ثمار تخیلگاه رسالتینا
 اولان که مکرمه ده زبور بازار و داخل حوصله مهاجر و انصار اولق
 حبسیده هر برین سادّه مقام عبودیت هر عبده خدا شکار شده
 عفو و آزاد و بود کلو محزوندی سرور و دلشای بیوره را اول بالا
 سرایان رافت و عنایت و سرور فراز خیابان مرحمت
 وی طفت علیه افضل التّجّت حقه تریه صرصرقت انکیز نیازی
 جانب عفو و سبیل میل و اهتر از اولعین او غماشته و لرحم
 مقایده نهال سولتری بیج افکن زمین قبول اولوب تکرار
 عدم قطع و تعرض بایده فرمان جهات مطاع نبوی صادرا
 فقه مرقوم نک مدت محاصره سی بر روایده اون سکر کون
 روایت اخراوه فرق کون مقداری امتداد بولوب زبانه نامه حرب قضا
 سطح مقعر فلک البروج رسیده و بارش تیر و پیکان پرنده کان هوا
 رسیده اولوب **نظم** دهاوه خروش آمد و دار و گیر • هوادام کرکس
 از پر تیر • مصداقنه ماصدق ایدی بوغراوه سلم بندیه شهادت
 صاعد بروج شرف و سعادت اولان اون یکی نفر مؤمن و لا اور

و عبدالله بن ابی بکر رضی الله عنهما بولره

سر دفتر اولدی بی مرقوم صی یغیر

حرفی ۷۷ شعبه ۱۱۴

Steyerndale Kittlington

Наван Хановъ

五

卷之四

908